

### 3. Sonntag nach Trinitatis

زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.

Christus spricht: Der Menschensohn ist gekommen, zu suchen und selig zu machen, was verloren ist.

*Wochenspruch – Lukas 19,10*

#### **Eingangspsaln (Introitus) Nr. 49**

همان قدر که پدر با فرزندان خود مهربان است، همان طور نیز خداوند با کسانی که او را گرامی می‌دارند، مهربان است.

Wie sich ein Vater über Kinder erbarmt, so erbarmt sich der HERR über die, die ihn fürchten.

خداوند، رحیم و مهربان است. دیرغضب و بسیار رئوف.

Barmherzig und gnädig ist der HERR, geduldig und von großer Güte.

ما را بر حسب گناهانمان مجازات نمی‌کند و طبق خطاهایمان ما را تنبیه نمی‌نماید.

Er handelt nicht mit uns nach unsern Sünden und vergilt uns nicht nach unser Missetat.

زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می‌دارند، عظیم است.

Denn so hoch der Himmel über der Erde ist, lässt er seine Gnade walten über denen, die ihn fürchten.

به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان قدر گناهان ما را از ما دور می‌سازد.

So fern der Morgen ist vom Abend, lässt er unsre Übertretungen von uns sein.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und dem Heiligen Geist,

از اول بود. الان. و تا ابد

wie im Anfang, so auch jetzt und allezeit und in Ewigkeit. Amen.

### Predigtlesung (III)

Lukas 15,1-10

- 1 در این هنگام باجگیران و خطاکاران ازدحام کرده بودند تا به سخنان او گوش دهند.
- 2 فریسیان و علما غرولندکنان گفتند: «این مرد اشخاص بی‌سروپا را با خوشرویی می‌پذیرد و با آنان غذا می‌خورد.»
- 3 به این جهت عیسی مثلی آورد و گفت:
- 4 «فرض کنید یکی از شما صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها را گم کند، آیا نود و نه تای دیگر را در چراگاه نمی‌گذارد و به دنبال آن گمشده نمی‌رود تا آن را پیدا کند؟
- 5 و وقتی آن را پیدا کرد با خوشحالی آن را به دوش می‌گیرد
- 6 و به خانه می‌رود و همه دوستان و همسایگان را جمع می‌کند و می‌گوید: 'با من شادی کنید، گوسفند گمشده خود را پیدا کرده‌ام.'
- 7 بدانید که به همان طریق برای یک گناهکار که توبه می‌کند در آسمان بیشتر شادی و سرور خواهد بود تا برای نود و نه شخص پرهیزکار که نیازی به توبه ندارند.
- 8 «و یا فرض کنید زنی ده سکه نقره داشته باشد و یکی را گم کند آیا چراغی روشن نمی‌کند و خانه را جارو نمی‌نماید و در هر گوشه به دنبال آن نمی‌گردد تا آن را پیدا کند؟
- 9 و وقتی پیدا کرد همه دوستان و همسایگان خود را جمع می‌کند و می‌گوید: 'با من شادی کنید، سکه‌ای را که گم کرده بودم، پیدا کردم.'
- 10 به همان طریق بدانید که برای یک گناهکار که توبه می‌کند در میان فرشتگان خدا، شادی و سرور خواهد بود.»

### 3. Sonntag nach Trinitatis

زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.

Christus spricht: Der Menschensohn ist gekommen, zu suchen und selig zu machen, was verloren ist.

Wochenspruch – Lukas 19,10

#### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 49

همان قدر که پدر با فرزندان خود مهربان است، همان طور نیز خداوند با کسانی که او را گرامی می‌دارند، مهربان است.

Wie sich ein Vater über Kinder erbarmt, so erbarmt sich der HERR über die, die ihn fürchten.

خداوند، رحیم و مهربان است. دیرغضب و بسیار رئوف.

Barmherzig und gnädig ist der HERR, geduldig und von großer Güte.

ما را بر حسب گناهانمان مجازات نمی‌کند و طبق خطاهایمان ما را تنبیه نمی‌نماید.

Er handelt nicht mit uns nach unsern Sünden und vergilt uns nicht nach unserer Missetat.

زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می‌دارند، عظیم است.

Denn so hoch der Himmel über der Erde ist, lässt er seine Gnade walten über denen, die ihn fürchten.

به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان قدر گناهان ما را از ما دور می‌سازد.

So fern der Morgen ist vom Abend, lässt er unsre Übertretungen von uns sein.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und dem Heiligen Geist,

از اول بود. الان. و تا ابد

wie im Anfang, so auch jetzt und allezeit und in Ewigkeit. Amen.

## Predigtlesung (IV)

Hesekiel 18,1-4.21-24.30-32

1 خداوند به من فرمود:

2 «منظور شما از تکرار این مَثَل در مورد سرزمین اسرائیل چیست که می‌گویید: 'والدین غوره خوردند و دندان فرزندان کُند شد.'

3 «به حیات خودم سوگند که بعد از این، در اسرائیل کسی این ضرب‌المثل را به زبان نمی‌آورد.

4 جان همه به من تعلق دارد، پدر و پسر هر دو به من تعلق دارند. تنها، کسی که گناه ورزد، خواهد مرد.

21 «اما اگر مردان شریر از همه گناهایی که ورزیده بودند، بازگردند و همه احکام مرا نگاه دارند و آنچه را مطابق قانون و نیک است انجام دهند، البته زنده خواهند ماند و نخواهند مرد.

22 همه گناهانشان بخشیده خواهد شد و زنده می‌مانند، زیرا ایشان به نیکویی عمل کرده‌اند.

23 آیا گمان می‌کنید که من از مردن شخص گناهکار خوشحال می‌شوم؟ به هیچ وجه! بلکه برعکس می‌خواهم از راه بدی که در پیش گرفته است بازگردد و زنده بماند.

24 «اما هنگامی که راستکاران، کجروی کنند و خطا نمایند و کارهای زشتی را که از شریران سر می‌زند، انجام دهند، آیا ایشان زنده خواهند ماند؟ هیچ‌کدام از نیکویی‌های ایشان به یاد نخواهد آمد و به خاطر خیانتی که مرتکب شده‌اند و گناهایی که ورزیده‌اند، خواهند مرد.

30 «من، خداوند متعال می‌گویم: بنابراین ای قوم اسرائیل، من شما را مطابق کردارتان داوری خواهم کرد. توبه کنید و از گناهان خود بازگردید، در غیر این صورت گناه، شما را هلاک خواهد کرد.

31 از گناهایی که در برابر من مرتکب شده‌اید، دست بکشید و قلب و روح تازه برای خود فراهم آورید. ای قوم اسرائیل، چرا می‌خواهید بمیرید؟

32 زیرا خداوند متعال می‌فرماید: من از مرگ هیچ‌کس شاد نمی‌شوم، پس بازگردید و زنده بمانید.»

## 3. Sonntag nach Trinitatis

زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.

Christus spricht: Der Menschensohn ist gekommen, zu suchen und selig zu machen, was verloren ist.

Wochenspruch – Lukas 19,10

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 49

همان قدر که پدر با فرزندان خود مهربان است، همان‌طور نیز خداوند با کسانی که او را گرامی می‌دارند، مهربان است.

خداوند، رحیم و مهربان است. دیرغضب و بسیار رئوف.

ما را بر حسب گناهانمان مجازات نمی‌کند و طبق خطاهایمان ما را تنبیه نمی‌نماید.

زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می‌دارند، عظیم است.

به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان قدر گناهان ما را از ما دور می‌سازد.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Wie sich ein Vater über Kinder erbarmt, so erbarmt sich der HERR über die, die ihn fürchten.

Barmherzig und gnädig ist der HERR, geduldig und von großer Güte.

Er handelt nicht mit uns nach unsern Sünden und vergilt uns nicht nach unserer Missetat.

Denn so hoch der Himmel über der Erde ist, lässt er seine Gnade walten über denen, die ihn fürchten.

So fern der Morgen ist vom Abend, lässt er unsre Übertretungen von uns sein.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und dem Heiligen Geist,

wie im Anfang, so auch jetzt und allezeit und in Ewigkeit. Amen.

## Predigtlesung (V)

Jona (3,10);4,1-11

10 چون خدا کار آنان را دید و مشاهده کرد که آنها از کارهای زشت خود دست کشیده و توبه کرده‌اند، از تصمیم خود منصرف شد و همان‌طور که قبلاً فرموده بود، آنها را هلاک نکرد.

1 یونس از این بابت بسیار ناراحت و خشمگین شد.

2 پس دعا کرد و گفت: «ای خداوند، آیا وقتی در وطن خودم بودم، همین را نگفتم و آیا به همین دلیل نبود که می‌خواستم به اسپانیا فرار کنم؟ من می‌دانستم که تو کریم، رحیم، دیر غضب و با محبتی پایدار احاطه شده‌ای و همیشه حاضری که تصمیم خود را عوض کنی و مردم را مجازات نکنی.»

3 حالا ای خداوند بگذار که من بمیرم زیرا برای من مردن از زنده ماندن بهتر است.»

4 خداوند در پاسخ یونس فرمود: «تو چه حقی داری که خشمگین شوی؟»

5 یونس از شهر بیرون رفت و در قسمت شرقی شهر نشست. در آنجا سایبانی برای خود ساخت و زیر سایه‌اش نشست و منتظر این بود که ببیند برای نینوا چه اتفاقی می‌افتد.

6 پس خداوند در آنجا کدویی رویانید تا بر یونس سایه بیاندازد که راحت‌تر باشد. یونس به‌خاطر بوته کدو بسیار خوشحال شده بود.

7 اما سپیده‌دم روز بعد، به دستور خدا کرمی کدو را زد و از بین برد.

8 بعد از اینکه آفتاب بالا آمد، خدا باد شرقی سوزانی فرستاد. چون آفتاب بر سر یونس تابید، او بی‌حال شد و از خدا طلب مرگ کرد و گفت: «برای من مردن از زنده ماندن بهتر است.»

9 اما خدا به او فرمود: «تو چه حقی داری که به‌خاطر یک بوته کدو خشمگین شوی؟» یونس گفت: «من حق دارم آن‌قدر خشمگین شوم که بمیرم.»

10 خداوند فرمود: «این بوته در عرض یک شب رویید و روز بعد خشک شد. تو هیچ زحمتی برای آن نکشیدی و آن را رشد و نمو ندادی، اما دلت به حال آن می‌سوزد؟»

11 پس چقدر بیشتر باید دل من برای نینوا بسوزد. شهر بزرگی که بیشتر از صد و بیست هزار بچه در آن زندگی می‌کنند که هنوز دست چپ و راست خود را نمی‌شناسند، همچنین برای حیوانات بسیاری که در آنجا هستند.»

## 3. Sonntag nach Trinitatis

Christus spricht: Der Menschensohn ist gekommen, zu suchen und selig zu machen, was verloren ist.  
زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.

Wochenspruch – Lukas 19,10

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 49

Wie sich ein Vater über Kinder erbarmt, so erbarmt sich der HERR über die, die ihn fürchten.  
همان‌قدر که پدر با فرزندان خود مهربان است، همان‌طور نیز خداوند با کسانی که او را گرامی می‌دارند، مهربان است.

Barmherzig und gnädig ist der HERR, geduldig und von großer Güte.  
خداوند، رحیم و مهربان است. دیرغضب و بسیار رئوف.

Er handelt nicht mit uns nach unsern Sünden und vergilt uns nicht nach unserer Missetat.  
ما را بر حسب گناهانمان مجازات نمی‌کند و طبق خطاهایمان ما را تنبیه نمی‌نماید.

Denn so hoch der Himmel über der Erde ist, lässt er seine Gnade walten über denen, die ihn fürchten.  
زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان‌قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می‌دارند، عظیم است.

So fern der Morgen ist vom Abend, lässt er unsre Übertretungen von uns sein.  
به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان‌قدر گناهان ما را از ما دور می‌سازد.

Ehre sei dem Vater und dem Sohn und dem Heiligen Geist,  
خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

wie im Anfang, so auch jetzt und allezeit und in Ewigkeit. Amen.  
از اول بود. الان. و تا ابد

## Lesung aus dem Alten Testament

*Micha 7,18-20*

18 خداوند، هیچ خدایی مانند تو نیست. تو گناه بندگان را می‌آمیزی و تقصیرات بازماندگان قومت را

می‌بخشی، و چون بر بندگان رحمت و شفقت داری، برای همیشه خشمگین نمی‌مانی.

19 دوباره بر ما مهربان می‌شوی. گناهان ما را در زیر قدمهایت پایمال می‌کنی و همه را در اعماق دریا

می‌افکنی.

20 به وعده‌ای که به قوم خود، یعنی فرزندان ابراهیم و یعقوب داده‌ای وفادار بوده و آنها را از محبت پایدارت

برخوردار می‌سازی.

## Epistel

*1. Timotheus 1,12-17*

12 از مسیح عیسی، خداوند ما که نیروی این کار را به من داده است، تشکر می‌کنم. زیرا او مرا قابل اعتماد

دانست و برای خدمت خود برگزید.

13 اگرچه در گذشته به او دشنام می‌دادم، جفا می‌رسانیدم و اهانت می‌کردم، اما خدا به من رحم کرد زیرا من

بی‌ایمان بودم و نمی‌دانستم چه می‌کردم.

14 و خداوند فیض سرشار خود را بر من جاری ساخت و آن ایمان و محبتی را به من عطا نمود که در اتحاد با

مسیح نصیب ما می‌گردد.

15 این سخن درست است و کاملاً قابل قبول که مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد.

گناهکاری بزرگتر از من هم نیست!

16 اما به این دلیل رحمت یافتم تا عیسی مسیح در رفتار خود با من که بزرگترین گناهکارانم، کمال بردباری

خود را نشان دهد و من نمونه‌ای باشم برای همه کسانی که بعدها به او ایمان آورده، حیات جاودانی خواهند

یافت.

17 به پادشاه جاودانی و فناپذیر و نادیدنی، خدای یکتا تا به ابد عزت و جلال باد، آمین.

## Evangelium

*Lukas 15,1-3.11b-32*

1 در این هنگام باجگیران و خطاکاران ازدحام کرده بودند تا به سخنان او گوش دهند.

2 فریسیان و علما غرولندکنان گفتند: «این مرد اشخاص بی‌سروپا را با خوشرویی می‌پذیرد و با آنان غذا

می‌خورد.» 3 به این جهت عیسی مثلی آورد و گفت:

11 باز فرمود: «مردی بود که دو پسر داشت.

12 پسر کوچکتر به پدر گفت: 'پدر، سهم مرا از دارایی خودت به من بده.' پس پدر دارایی خود را بین آن دو

تقسیم کرد.

13 چند روز بعد پسر کوچک تمام سهم خود را به پول نقد تبدیل کرد و رهسپار سرزمین دوردستی شد و در

آنجا دارایی خود را در عیاشی به باد داد.

14 وقتی تمام آن را خرج کرد قحطی سختی در آن سرزمین رخ داد و او سخت دچار تنگدستی شد.

15 پس رفت و نوکر یکی از ملاکین آن محل شد. آن شخص او را به مزرعه خود فرستاد تا خوکهایش را

بچراند.

16 او آرزو داشت شکم خود را با نواله‌هایی که خوکها می‌خورند پُر کند ولی هیچ‌کس به او چیزی نمی‌داد.

17 سرانجام به خود آمد و گفت: 'بسیاری از کارگران پدر من نان کافی و حتی اضافی دارند و من در اینجا

نزدیک است از گرسنگی تلف شوم.

18 من برمی‌خیزم و پیش پدر خود می‌روم و به او می‌گویم: پدر، من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده‌ام.

19 دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من هم مثل یکی از نوکران خود رفتار کن.'

20 پس برخاست و رهسپار خانه پدر شد. «هنوز تا خانه فاصله زیادی داشت که پدرش او را دید و دلش به

حال او سوخت و به طرف او دوید، دست به گردنش انداخت و به گرمی او را بوسید.

21 پسر گفت: 'پدر، من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده‌ام. دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم.'

22 اما پدر به نوکران خود گفت: 'زود بروید. بهترین ردا را بیاورید و به او ببوشانید. انگشتی به انگشتش و

کفش به پاهایش کنید.

23 گوساله پرواری را بیاورید و سر ببرید تا مجلس جشنی برپا کنیم،

24 چون این پسر من مرده بود، زنده شده و گمشده بود، پیدا شده است.' به این ترتیب جشن و سرور شروع

شد.

25 «در این هنگام پسر بزرگتر در مزرعه بود و وقتی بازگشت، همین‌که به خانه نزدیک شد صدای رقص و

موسیقی را شنید.

26 یکی از نوکران را صدا کرد و پرسید: 'جریان چیست؟'

27 نوکر به او گفت: 'برادرت آمده و پدرت چون او را صحیح و سالم باز یافته، گوساله پرواری را کشته است.'

28 اما پسر بزرگ قهر کرد و به هیچ‌وجه نمی‌خواست به داخل بیاید پدرش بیرون آمد و به او التماس نمود.

29 اما او در جواب پدر گفت: 'تو خوب می‌دانی که من در این چند سال چطور مانند یک غلام به تو خدمت

کرده‌ام و هیچ‌وقت از اوامر تو سرپیچی نکرده‌ام و تو حتی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستان خود

خوش بگذرانم.

30 اما حالا که این پسرت پیدا شده، بعد از آنکه همه ثروت تو را با فاحشه‌ها تلف کرده است برای او گوساله

پرواری می‌کشی.'

31 پدر گفت: 'پسرم، تو همیشه با من هستی و هرچه من دارم مال توست.

32 اما ما باید جشن بگیریم و شادی کنیم، زیرا این برادر توست که مرده بود، زنده شده است و گمشده بود،

پیدا شده است.»